

شهروندی و جنسیت از منظر توسعه در ایران معاصر

عباس احمد آخوندی*

تغییر تصمیم آنها می‌شود. حال اگر ملتی به این درک برسد که فرصت‌های زیادی از آنان سلب شده است، بی‌گمان بر نظم موجود و کسانی که این فرصت‌ها را از آنان گرفته‌اند می‌شورند و در پی تغییر خواهند آمد. البته هیچ تضمینی وجود ندارد که تغییر رو به سوی خوبی داشته باشد چون ممکن است منجر به هرج و مرج، ناامنی، و ناکارایی طولانی‌تر و بدتری شود، هم‌چنان که در جریان تحولات خاورمیانه و شمال افریقا دیدیم. ولی نکته مهم این است که سیاست‌گذار نگذارد کار بدانجا بکشد و گرنه تغییر گریزناپذیر خواهد بود.

در ایران نیز، در رویارویی با پدیده مدرنیته، غلبه ماهیت فن‌سالارانه آن را می‌بینیم. برابر شدن توسعه با اجرای چند پروژه بزرگ عمده‌ترین چالشی است که در فهم توسعه در ایران به وجود آمده است. ولی واقعیت این است که اکنون جامعه، در مواجهه با سبک زندگی دنیای جدید، دچار شکاف اجتماعی ژرفی شده و این واگرایی و انشقاق در حوزه زنان به مراتب سخت‌تر است. دلیل آن هم کاملاً روشن است. فاصله و تضاد سبک زندگی قدیم و جدید در نحوه حضور زنان در جامعه کاملاً مشهودتر و ملموس‌تر و در تعارض شدیدتری

توسعه به مثابه امری مدرن، در کنار سایر ویژگی‌ها، ماهیتی فن‌سالارانه دارد. جوامع مختلف، در نخستین مواجهه با جهان مدرن، مجذوب هویت فن‌سالارانه آن می‌شوند و ساده‌انگارانه خیال می‌کنند که می‌توانند با حفظ هویت تاریخی و سرزمینی خود، از مزیت‌های فناورانه آن بهره ببرند. اما تجربه تاریخی بسیاری از جوامع از جمله ایران نشان داده است که این خیالی بیش نبوده و طولی نکشیده که درگیر پیامدهای بنیان‌برانداز اجتماعی و فرهنگی آن شده‌اند. ازجاکندگی، آشفتگی، ناآرامی و افق ناروشن همسایگان همه مؤید این مطلب‌اند. حتی آرامش و سکوت مرگبار کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز چشم‌انداز پرامیدی را فراروی ما قرار نمی‌دهد. از سوی دیگر، کسانی که فکر می‌کنند می‌توانند با بستن درها جامعه را از رویارویی با این پدیده پرقدردت جهانی مصون بدارند اشتباهی سنگین‌تر می‌کنند. در اقتصاد مفهومی هست با عنوان «هزینه فرصت»، بدین معنی که افراد در هر لحظه نه تنها به آنچه به دست آورده‌اند فکر می‌کنند، بلکه به فرصت‌هایی که از دست داده‌اند نیز می‌اندیشند. اگر هزینه فرصت‌های از دست داده بیشتر از منافع کسب شده باشد، این موضوع باعث